

# احكام ميراث

از نگاه فقه و قانون

پوهاند عبدالعزیز

تهران

۱۳۹۵



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)  
مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
هشت	یادآوری
۱	مقدمه
۷	فصل اول: علم میراث
۷	تعریف علم میراث
۸	اهمیت علم میراث
۹	نظام میراث نزد رومانیها
۱۱	نظام میراث در یونان قدیم
۱۱	نظام میراث نزد طوایف شرقی قدیم
۱۲	نظام میراث نزد مصریهای قدیم
۱۲	نظام میراث نزد یهودیها
۱۳	نظام میراث در زمان جاهلیت قبل از اسلام
۱۴	میراث در اسلام
۱۵	اسباب میراث در صدر اسلام
۲۴	ارکان میراث
۲۴	اسباب میراث
۲۶	شرایط میراث
۲۹	موانع میراث
۲۹	۱. رق (بردگی)
۳۰	۲. قتل
۳۲	۳. اختلاف دین
۳۷	۴. اختلاف دار
۴۰	فصل دوم: ترکه و حقوق متعلق به آن
۴۰	تعریف حق
۴۱	ترکه (متروکه)
۴۲	حقوق متعلق به ترکه
۴۵	تجهیز
۴۶	دین
۴۷	طریقه عملی اداء دیون از ترکه
۴۹	وصیت
۵۴	وارث

صفحه	عنوان
۵۷	فصل سوم: ذوی الفروض و فروض (سهام) معین آنها در میراث
۶۰	میراث زوجین
۶۲	شرط میراث به سبب زوجیت
۶۴	میراث پدر
۶۷	میراث مادر
۷۳	میراث بنت صلبی (دختر)
۷۷	میراث بنت ابن (دختر پسر)
۸۲	میراث اولاد مادر (برادران و خواهران اخیافی)
۸۵	میراث خواهر اعیانی
۹۱	مسأله مشترکه
۹۳	میراث خواهر پدری (علاتی)
۹۸	میراث جد
۹۹	فرق اب و جد در میراث
۱۰۰	مقاسمة الجد
۱۰۳	کیفیت توریث جد با برادران اعیانی و علاتی
۱۰۳	طریقه زیدبن ثابت (رض)
۱۰۶	مسأله معاده
۱۰۸	مسأله اکدریه
۱۱۰	طریقه حضرت علی (کرم الله وجهه)
۱۱۴	طریقه عبدالله بن مسعود (رضی الله عنه)
۱۲۱	میراث جده
۱۲۵	فصل چهارم: عصبات و حجب
۱۲۵	عصبات
۱۲۵	عصبه نسبی و انواع آن
۱۲۶	عصبه بنفسه
۱۲۸	عصبه بغيره
۱۲۹	عصبه مع غيره
۱۳۱	فرق بین عصبه بغيره و عصبه مع غيره
۱۳۳	حجب
۱۳۴	حجب نقصان
۱۳۴	حجب حرمان
۱۳۶	فرق بین حجب و منع
۱۴۰	فصل پنجم: اصول مسائل میراث
۱۴۰	مخارج فروض و طریقه تقسیم ترکه
۱۴۵	عول
۱۵۲	رد
۱۵۵	طریقه حل مسائل رد
۱۵۸	تصحیح

صفحه	عنوان
۱۶۶	فصل ششم: ذوی الأرحام
۱۶۶	تعریف ذوی الأرحام
۱۶۸	اصناف ذوی الأرحام
۱۷۰	کیفیت توریث ذوی الأرحام
۱۹۰	میراث ذوی الأرحام دارای جهات قرابت متعدد
۱۹۱	رد بر یکی از زوجین
۱۹۲	فصل هفتم: استحقاق به طریق غیر از ارث
۱۹۲	مولی موالات
۱۹۳	مقرله به نسب به غیر
۱۹۴	موصی له به جمیع المال
۱۹۵	بیت المال
۱۹۶	فصل هشتم: ارث تقدیری و احتیاطی
۱۹۶	توریث حمل
۱۹۷	اکثر مدت حمل
۱۹۷	اقل مدت حمل
۲۰۰	مقدار مالی که برای حمل حفظ می شود
۲۰۱	کیفیت ارث حمل و ورثه دیگر
۲۰۳	طریقه حل مسائل حمل
۲۰۸	مفقود
۲۰۸	اصدار حکم به به فوت مفقود
۲۱۱	میراث مفقود
۲۱۱	ارث اشخاص دیگر از مفقود
۲۱۱	ارث مفقود از اشخاص دیگر
۲۱۳	طریقه حل مسائل مفقود
۲۱۹	اسیر
۲۲۰	خنثی
۲۲۵	ولد الزنا و ولد اللعان
۲۲۸	اقاربی که یکجا فوت شوند و ترتیب وفات آنها معلوم نباشد
۲۳۱	فصل نهم: احکام تکمیلی
۲۳۱	تخارج
۲۳۱	کیفیت تقسیم ترکه در تخارج
۲۳۷	مناسخه
۲۴۱	وصیت واجبه
۲۴۵	اشخاص مستحق وصیت واجبه
۲۴۶	شرط استحقاق وصیت واجبه
۲۴۶	مقدار وصیت واجبه
۲۴۷	طریقه حل مسائلی که مشتمل بر وصیت واجبه باشد
۲۵۱	مأخذ

## یادآوری

چاپ آثار پژوهشی استادان در گسترش فعالیتهای علمی پوهنتونها نقشی درخور اهمیت دارد، ولی با تأسف بیش از یک دهه است که با انهدام چاپخانه وزارت تحصیلات عالی، اثر تحقیقاتی دستنویس استادان بر روی دستشان مانده است. طبیعی است که چنین پیشامدی تلخ، از اشتیاق استادان در پرداختن به امور پژوهشی می کاهد. برای رشد خلاقیت و ارتقای کمی و کیفی فعالیتهای علمی باید زمینه چاپ و انتشار دستاوردهای علمی فراهم شود. خوشبختانه جمهوری اسلامی ایران در این مرحله از بازسازی افغانستان، در کنار سایر همکاریها، وعده چاپ بیست عنوان اثر علمی استادان را داده است. برآورده شدن این وعده از یک سو آغازی است برای تشویق استادان پژوهشگر و از دیگر سو کمکی است برای محصلین در استفاده بهتر از اندوختههای علمی استادان.

وزارت تحصیلات عالی افغانستان در حالی که از این همکاری شایسته و بموقع جمهوری اسلامی ایران قدردانی می کند، همکاریهایی از این گونه را در توسعه هرچه بیشتر مناسبات دو فرهنگی کشور سودمند و ستایش انگیز می داند!

احمد ضیا رفعت

رییس نشرات وزارت تحصیلات عالی افغانستان

کابل ۸۲/۳/۱

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين سيدنا محمد المبعوث  
رحمة العلمين و على آله و اصحابه الطيبين الطاهرين و على من تبعهم باحسان إلى يوم الدين و  
بعد:

عشق و محبت با مال و ثروت در طبيعت و سرشت انسان عجيب گريده و گريز و  
اجتناب از آن برايش ناممكن و مستحيل است، خدای بزرگ بر حق فرموده است كه «و  
تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا وَ تُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا»<sup>۱</sup> و «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ وَ إِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ  
لَشَهِيدٌ وَ إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ»<sup>۲</sup>.

مال و ثروت از نظر دين مقدس اسلام برای زندگی انسان يك امر ضروری و طبيعي  
است و انسان به اساس فطرت دوافع و محرکات طبيعي و به اساس رسالت و وظيفة انسانی  
خود در زمین به جمع آوری و کسب آن اقدام می کند؛ بناً تحريم جمع کردن مال برای  
انسان امر غير طبيعي و مخالف فطرت و سرشت انسان بوده مصالح اجتماعی و فردی او را به  
تعویق می اندازد و روی این اساس هر نظام كه ملكیت و جمع کردن مال را منع قرار دهد از  
فطرت و غرایز انسان انكار می کند.

مال در نظر اسلام اگر از يك طرف ضرورت زندگی و وسیله پیروزی حق بر باطل  
و وسیله مبارزه با شرارتها، تجاوز، طغیان و ... در روابط بشری است از طرف دیگر  
اغراء کننده و فتنه گر هم می باشد، زیرا اگر توجه و عاطفه انسان را به خود جلب کرده نیرو  
و استعداد او را در جمع آوری و به دست آوردن آن استخدام کند شاید وی را به سوی  
انحرافات و مفسد، طغیان و تجاوز و پایمال کردن حقوق دیگران كه مالک نیستند بکشاند  
و اگر عقل رهبر انسان نباشد در آن صورت زیر تأثیر غریزه کورکورانه به سوی مطالب  
غریزه پیش می رود و احترام و کرامت انسانی هیچ کس، حتی کرامت نفس خود را نیز

۱. سورة الفجر، آیات ۱۹-۲۰.

۲. سورة العاديات، آیات ۸-۶.

رعایت نمی‌کند و زیر تأثیر فتنه و فریب‌گری مال و ثروت، تصرفاتی که با انسانیت منافی است از او سر می‌زند. قرآن کریم تأثیر جمع کردن مال و کثرت اولاد را چنین تصور می‌کند: <sup>۱</sup> «الْهَكْمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ»<sup>۲</sup> و «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup>.

اسلام بر خلاف مکتبهای دیگر به مال و ثروت نظر جداگانه دارد و گفته می‌توانیم که تمام احکام اسلام از این دیدگاه سرچشمه می‌گیرد و مصدر همه ارشادات و هدایات مالی اسلام همین نظر و طرز دید است و آن عبارت است از اینکه مالک اصلی و حقیقی مال تنها و تنها خداوند است و انسان نایب و خلیفه خداوند در مورد تصرف در مال می‌باشد. بر این خلیفه لازم است حدود شریعت الهی را در کسب و جمع‌آوری مال و ثروت و تنمیه آن جداً رعایت کرده آن را در راه خداوند و مصالح و منافع اجتماع استخدام نماید.

روی این اساس اسلام اخلاق را قانون زندگی می‌داند تا نفس و روان انسان را برای پیروی سلوک مستقیم و معتدل آماده گردانیده احکام شریعت الهی را به رضاء و رغبت و اختیار خود عملی و پیاده کند.<sup>۴</sup>

میراث نمونه‌ای از عدالت اسلامی است، اسلام مال و ثروت را همه چیز و هدف اول و اخیر نمی‌داند بلکه مال و ثروت را وسیله برای رسیدن به اهداف دیگر و ارزشهای برتر می‌شمارد که در همه رضای پروردگار مضمّن است، از قبیل اعلاء کلمة الله، کمک و مساعدت با یتیمان، فقراء و مساکین و احیاء مرافق عامه چون مدارس، شفاخانه‌ها، راهها ... . اسلام بر خلاف مکتبهای دیگر برخی از ورثه را بدون کدام سبب موجه بالای ورثه دیگر ترجیح نمی‌دهد و نه از مال و ثروت و حتی از ثمره زحمت و عرقریزی خودش محروم می‌سازد.

مساوات میان جهد و جزاء، تلاش و تپش و مکافات و تقدیر یکی از اساسات بزرگ و عمده اسلام است و عدالت اجتماعی روی همین مبدأ و اساس استوار است و ملکیت فردی را به خاطر احترام به نفس و روان بشری جایز گردانیده است، یکی از قواعد

۱. پوهاند اسدالله شینواری، اسلام و اجتماعات معاصر، کابل: پوهنتون کابل، ۱۳۵۵، ص ۲۱۱.

۲. سورة التكاثر، آیات ۱ و ۲.

۳. سورة الانفال، آیه ۲۸.

۴. ایضاً از ص ۲۲۰ از سورة انفال.

فقهی اسلامی تناسب و ارتباط میان فایده و نقصان را ایجاب می‌کند و آن عبارت است از «الغنم بالغرم» که در نظام میراث در اسلام همین قاعده مورد نظر قرار گرفته است. از طریق میراث یک اندازه فواید اقتصادی به مردم عاید می‌گردد لذا آن را مثیر و محرک کار و فعالیت و تلاش و تپش خوانده می‌توانیم، هرکس آرزو دارد پس‌انداز و ذخیره داشته باشد تا خود و فامیلش در مواقع لزوم از آن استفاده کند، به طور مثال پدر به کار و فعالیت ادامه می‌دهد و احساس می‌کند که ثمره مساعی و فعالیت‌های وی پس از مرگش از طریق نسل و اولادش امتداد یافته و اولادش از مساعی وی مستفید می‌شوند و این مساعی و فعالیت به نفع و مفاد پدر، دولت و انسانیت تمام می‌شود و میان زحمت و مکافات عدالت برقرار می‌گردد، زیرا اولاد بخشی از بدن و به اصطلاح جگر گوشه انسان است. عدالت ایجاب می‌کند تا مساعی مادی والدین را اولاد طوری که اوصاف و استعدادهای جسمی و عقلی آنان را به میراث می‌برند به اساس قاعده «الغنم بالغرم» نیز به میراث گیرند.

از تعمق در نظام میراث اسلامی برمی‌آید که این نظام خواص و ممیزاتی دارد که در هیچ یک از نظامها و قوانین دیگر آسمانی و وضعی وجود ندارد، خدای بزرگ خودش مستحقین میراث را بیان نموده و ترکه متوفی را مطابق استحقاق بالای‌شان توزیع نموده است، از اینجاست که صاحب مال در نظام اسلام حق ندارد وارثان خود را به اختیار خود تعیین نماید و یا حصه هر وارث را پس از مرگ خود تعیین و تخصیص دهد، زیرا خداوند می‌داند که انسان در زیر بار هوا و هوس می‌رود و یا در زیر تأثیر و تسلط عواطف سرکش و مؤثرات عارضی مختلف واقع گردیده پا از دایره عدالت بیرون می‌گذارد، برخی از مستحقین را محروم خواهد ساخت و یا برخی را بالای برخی دیگر برخلاف نظر شریعت ترجیح و امتیاز خواهد داد لذا خداوند بزرگ خودش توزیع ترکه را مطابق اصول و اساسات حق و عدالت و مصلحت به دوش گرفت. میراث در اسلام یک امر اجباری است و هر کدام از وارث و مورث به رعایت آن مکلف می‌باشد. مورث یا صاحب مال نمی‌تواند وارث و مستحق میراث را از میراث محروم گرداند، وارث هم مجبور است به سهم و حصه خود در هر حال قناعت کند، رضائیت و عدم رضائیت وی در این مورد ارزشی ندارد و از اینجاست که صاحب مال یا مورث در معرض موت یا مرگ خود حق ندارد در مال خود طوری تصرف کند که به ضرر ورثه تمام شود یا حق آنها را ضایع سازد، با این همه خدای بزرگ صاحب مال را حق داده که در بخشی از مال و ثروت خود از طریق وصیت تصرف



کند و می‌تواند به بخشی از مال خود که در حدود ثلث یا سوم حصه باشد برای مؤسسات خیریه و منافع عامه وصیت کند یا برای نیازمندی از فامیل و خویشاوندان یا دیگران وصیت نماید به شرطی که ناشی از گناه و معصیت یا منافی مقاصد شریعت نباشد و از ثلث متروکه تجاوز نکند.

میراث در اسلام به نزدیکترین و محبوب‌ترین اشخاص تعلق می‌گیرد. از اینجاست که میراث از دایره فامیل بیرون نمی‌رود و صرف کسانی که با متوفی نسبت قرابت حقیقی یا قرابت حکمی داشته باشند از میراث مورث خود بهره‌مند می‌شوند، ولی اساس تقدیم بعضی از وارثان بر بعضی دیگر قوت و نیرومندی خویشاوندی و نیرومندی پیوند مصالح و منافع میان وارث و مورث می‌باشد. به تعبیر دیگر هر وارثی که پیوند و ارتباط آن به صورت قویتر باشد نسبت به دیگران در میراث هم مقدم است.

علاوفاً نظام میراث اسلامی ناتوانان و بیچاره‌گان از زنان و اطفال را حمایت کرده، حال آنها را جدا رعایت نموده است، برای زن، مادر، دختر، خواهر و امثال آن سهام و نصیبه‌هایی تعیین نموده، زندگی و کرامت‌شان را حفظ و حمایت کرده، و همینگونه برای طفل صغیر و حملی که در شکم مادر باشد عیناً مانند بزرگسالان میراث داده برای پسر بزرگ کمترین امتیازی نداده است.<sup>۱</sup>

اسلام در کنار این اصول احتیاج را هم اساس برتری در میراث گردانیده است و از اینجاست که سهم و نصیبه دختر را نیم سهم و نصیبه برادرش را یک سهم تعیین نموده است، زیرا احتیاج برادر به مال به اساس مقررات اسلام نسبت به خواهرش شدید است و مطالب و مسئولیتهای زندگی نسبت به خواهر به برادر بیشتر متوجه می‌باشد. تکالیف زندگی را در جامعه اسلامی بیشتر مردها به دوش می‌کشند، به طور مثال مرد اگر توان داشته باشد مجبور است مصارف زندگی و شئون مربوط به خود را خودش تهیه و تدارک نماید اگر چه پدرش ثروتمند و غنی هم باشد، مهر زن را خودش باید پردازد، نفقه زن و اولاد و مصارف تعلیم و تربیه و ... به دوش مرد است، و اگر پدر و مادر و اقارب آن فقیر و مسکین باشند مرد مکلف است که نفقه و مصارف زندگی‌شان را به دوش گیرد؛ در حالی که زن به هیچ یکی از این چیزها مکلف نیست. قبل از ازدواج نفقه او به دوش پدر و یا اقارب او می‌باشد و بعد از ازدواج نفقه او و اولادش به دوش زوج است اگر چه زن غنی و

۱. عیسوی احمد عیسوی؛ احکام الموارث فی الشریعة الاسلامیة، قاهره: مطبعة دارالتألیف، ۱۹۶۶،

ثروتمند باشد. بناً عدالت ایجاب می‌کند که سهم برادر در میراث دو چند سهم خواهر باشد تا مسئولیتهای زندگی خود، خانم و اولاد خود و فقراء و بیچاره‌گان فامیل خود را تأمین کرده بتواند.

یکی از اسبابی که مرا به تألیف و تدوین در علم میراث وادار نمود نبودن یا کمبود کتب علمی این رشته که نصف‌العلوم خوانده شده، در میهن ما به زبانهای ملی بود و از طرفی هم این رشته دانش در پوهنحی شرعیات و پوهنحی حقوق پوهنتون کابل تدریس می‌گردد، قضات محاکم، خانونالان و وکلای مدافع و شاگردان پوهنتونهای مذکور و شاگردان مدارس دینی در پهلوی سایر علماء دین به کتابی در این رشته به زبان ملی اشد ضرورت دارند، و خودم از سالیان متمادی به تدریس در این رشته اشتغال داشته ضرورت تألیف کتاب در میراث برایم واضح و روشن بود، ولی کثرت مشاغل و نبودن فرصت کافی این مأمول را به تعویق انداخت تا اینکه خدای رحیم شرایط را فراهم گردانید و توان تدوین و تألیف را برایم عنایت فرمود و کتابی را تحت عنوان (احکام میراث از نگاه فقه و قانون) در نه فصل تألیف نمودم به این شرح که:

فصل اول بالای علم و میراث، اهمیت آن میراث در نزد ملل مختلف کهن، میراث در اسلام، اسباب، ارکان و شرایط میراث، و موانع ارث روشنی می‌اندازد.  
فصل دوم ترکه و حقوق متعلق به آن و احکام وصیت را بررسی می‌کند.  
فصل سوم ورثه ذوی‌الفروض و سهام معین آنها را در میراث و احکام متعلق به میراث جد، مقاسمة‌الجد، مسأله معاده و اکدریه ... را مورد بحث قرار می‌دهد.  
فصل چهارم بالای احکام متعلق به میراث، انواع عصبه، حجب و منع روشنی می‌اندازد.

فصل پنجم اصول مسائل میراث از قبیل مخارج فروض و تقسیم ترکه، تداخل (تمائل)، توافق، تباین، عول، رد و تصحیح را بررسی می‌کند.  
فصل ششم احکام مربوط به ذوی‌الأرحام و کیفیت توریث آنها را مورد بحث قرار می‌دهد.

فصل هفتم مسائل مربوط به استحقاق به طریق غیر از ارث از قبیل: مولای موالات، مقرله به نسبت به غیر، موصی‌له به تمام مال و بیت‌المال را شرح و توضیح می‌کند.  
فصل هشتم احکام متعلق به ارث تقدیری و احتیاطی از قبیل توریث حمل، مفقود، اسیر، خثی و ولدالزنا... را بررسی می‌کند.

و فصل نهم و اخیر احکام تکمیلی از قبیل تخارج، مناسخه و وصیت واجبه را در بر دارد.

در هر فصل مطالب مربوط به آن از قانون مدنی افغانستان نیز مورد ارزیابی قرار گرفته است. من در این راه تا جایی که ممکن بود سعی و تلاش به خرج داده‌ام و این هدایتی حیات‌بخش از رسول اکرم (صلی الله علیه و سلم) را که فرمودند: «تَعَلَّمُوا الْفَرَائِضَ وَ عَلَّمُوهَا فَإِنَّهَا نِصْفُ الْعِلْمِ وَ هُوَ يُنْسَى وَ هُوَ أَوْلَ شَيْءٍ يَنْزِعُ مِنْ أُمَّتِي» عملی کرده‌ام. نیازم از بارگاه بی‌نیاز این است که آن را مصدر نفع عمیم گرداند. انه سمیع المجیب.

مؤلف